



تهران

گروه: علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

عالم ذر در آیات و روایات

استاد راهنما:

دکتر مجید معارف

استاد مشاور:

دکتر سید کاظم عسکری

نگارش:

ام البنین هروی

سال تحصیلی: ۸۸-۸۷

نیمسال: دوم



تهران

قسم : علوم القرآن و المديث

(رساله ما جستير)

عنوانها :

عالم الذر في الكتاب والسنة

الاستاذ المشرف :

دكتور مجيد معارف

الاستاذ المشاور :

دكتور سيد كاظم عسكري

اعداد :

ام البنين هروي

السنة :

نيمسال دوم ۱۳۸۸

سپاسگزاری ها

سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند و حسابگران از شمارش نعمت های او ناتوان و تلاش گران از ادای حق او در مانده اند (خ ۱ نهج البلاغه)

از تمام عزیزانی که در به ثمر رسیدن این پروژه مرا یاری نمودند کمال تشکر را دارم؛ از پدر و مادر مهربانم و خواهر عزیزم که همواره مدافع و حامی من در تمام مراحل زندگی بوده اند ، از خواهر عزیزم و خانواده محترمش به خاطر حمایت های بی دریغشان سپاسگذارم ، همواره منت دار لطف و عطف آن ها هستم .

به طور ویژه از استاد محترم راهنما آقای دکتر مجید معارف و استاد گرامی مشاور آقای دکتر سید کاظم عسکری به خاطر راهنمایی های دلسوزانه شان سپاسگذارم . زبان از سپاس این بزرگوار عاجز و از توان خارج است . امید آن دارم که این پروژه ، باقیات صالحاتی برای این عزیزان باشد . اجرهم عندالله .

تقدیم به :

تقدیم به ارواح مطهر انبیاء و اولیاء الهی ، به
ویژه ساحت مقدس حضرت فاطمه
زهرا(س)، بانوی عشق و ایمان و سلاله پاک
ایشان ، قطب عالم امکان حضرت مهدی (عج)
به امید گوشه چشمی .
وتقدیم به ارواح مطهر شهدای اسلام و
بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی حضرت امام
خمینی (ره) .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳.....	مقدمه

فصل اول : کلیات

۶.....	۱-۱- تبیین موضوع و تاریخچه ای از موضوع
۹.....	۲-۱- ضرورت و میزان اهمیت موضوع
۱۰.....	۳-۱- کلید واژه های موضوع
۱۱.....	۴-۱- پیشینه تحقیق در موضوع
۱۳.....	۵-۱- پیش فرض
۱۳.....	۶-۱- سوالات تحقیق
۱۴.....	۷-۱- فرضیات
۱۴.....	۸-۱- روش تحقیق

فصل دوم : عالم ذر در آیات و روایات میثاق

۱۷.....	مقدمه
۱۸.....	۱-۲- آیات میثاق
۱۹.....	۲-۲- آیات میثاق در دیدگاه مفسران
۱۹.....	۱-۲-۲- تفسیر اول - حقیقی بودن عالم ذر قبل از دنیا
۲۰.....	۱-۲-۲-۱- ابهامات و اشکالات دیدگاه یادشده

- ۲۰.....۱-۱-۱-۲-۲ اشکال اول - وجود نسیان
- ۲۱.....۲-۱-۱-۲-۲ اشکال دوم - تناسخ
- ۲۱.....۳-۱-۱-۲-۲ اشکال سوم - عدم تطابق با ظاهر آیه
- ۲۱.....۲-۱-۲-۲ پاسخ به اشکالات مطرح شده در تفسیر اول
- ۲۲.....۱-۲-۱-۲-۲ دخول بر عالم ناسوت، دلیل نسیان عالم ذر
- ۲۵.....۲-۲-۱-۲-۲ رد اشکال تناسخ با نظر به تقدیر ارواح و ابدان
- ۲۶.....۳-۲-۱-۲-۲ تفسیر بنی آدم در آیه میثاق
- ۲۶.....۱-۳-۲-۱-۲-۲ بنی آدم یعنی فرزندان آدم از زمان حضرت آدم (ع)
- ۲۷.....۱-۱-۳-۲-۱-۲-۲ دلالت تضمینی الفاظ آیات
- ۲۹.....۲-۱-۳-۲-۱-۲-۲ معنای لفظی بنی آدم
- ۳۰.....۲-۳-۲-۱-۲-۲ بنی آدم یعنی فرزندان آدم از زمان حضرت نوح به بعد
- ۳۱.....۱-۲-۳-۲-۱-۲-۲ آمدن شریعت برای بشر از زمان نوح (ع) به بعد
- ۳۲.....۲-۲-۳-۲-۱-۲-۲ نزول عذابهای آسمانی از زمان نوح (ع) به بعد
- ۳۳.....۳-۲-۳-۲-۱-۲-۲ تصفیه بشر در زمان نوح (ع)
- ۳۴.....۲-۲-۲ تفسیر دوم - تطابق عالم ذر با عالم دنیا
- ۳۸.....۱-۲-۲-۲ تفسیر عالم ذر به عالم جنینی و عالم استعدادها
- ۳۹.....۲-۲-۲-۲ تفسیر عالم ذر به موطن وحی و رسالت
- ۴۰.....۳-۲-۲-۲ تفسیر عالم ذر برای کافران در دنیا
- ۴۰.....۴-۲-۲-۲ ابهامات دیدگاههای یادشده
- ۴۳.....۳-۲-۲ تفسیر سوم - عالم ذر یا عالم وجود جمعی
- ۴۴.....۱-۳-۲-۲ نقد نظریه وجود جمعی
- ۴۶.....۴-۲-۲ سخن آخر

۴۷ ۳-۲- عالم ذر از نگاه فلاسفه و عرفا
۴۷ ۱-۳-۲- فلاسفه
۴۷ ۲-۳-۲- عرفا
۵۰ ۴-۲- جمع بندی فصل

فصل سوم : عالم ذر در آیات و روایات فطرت

۵۲ مقدمه
۵۲ ۱-۳- آیات فطرت
۵۳ ۱-۱-۳- آیه فطرت
۵۵ ۱-۱-۱-۳- آیات دال بر بداهت وجود پروردگار
۵۸ ۲-۱-۱-۳- آیات دال بر فطرت خدا جویی انسان
۶۲ ۳-۱-۱-۳- آیات دال بر فطرت خدانشناسی انسان
۶۳ ۲-۱-۳- آیات حاوی تذکر
۶۸ ۱-۲-۱-۳- شهادتین مسلمان , یادآور میثاق الهی
۶۸ ۲-۲-۱-۳- اذان در بدو تولد, یادآور میثاق الهی
۶۸ ۳-۲-۱-۳- مخاطب قراردادن حجر الاسود در طواف, یادآور میثاق الهی
۶۹ ۳-۱-۳- آیات حاوی حقایق نفسانی
۷۲ ۲-۳- فطرت در روایات
۷۲ ۱-۲-۳- تفسیر فطرت به توحید
۷۲ ۲-۲-۳- تفسیر فطرت به اسلام
۷۳ ۳-۲-۳- تفسیر فطرت به توحید, نبوت و ولایت
۷۳ ۴-۲-۳- تفسیر فطرت به شریعت پیامبران

۳-۳- جمع بندی ۷۶

فصل چهارم : عهد و میثاق انسان در عالم ذر

مقدمه ۷۹

۱-۴- شرح الفاظ در بحث عهد و میثاق ۸۰

۱-۴-۱- معنای ذریه ۸۰

۱-۴-۲- معنای الست ۸۲

۱-۴-۳- معنای عهد ۸۲

۱-۴-۴- معنای الظلال ۸۳

۱-۴-۵- معنای طینت ۸۴

۲-۴- کلیات عهد و میثاق با نظر به آیات میثاق ۸۵

۱-۲-۴- چگونگی ترتیب دادن صحنه شهود ۸۵

۱-۲-۴-۱- معنای ادراک شهودی ۸۹

۲-۴-۱-۲- خودشناسی مقدمه ای برای خدا شناسی ۹۰

۲-۴-۱-۳- معرفت، فعل خدا ۹۱

۲-۴-۲- پذیرش عبودیت و اقرار به یگانگی خدا ۹۳

۳-۲-۴- سر میثاق الهی ۹۴

۳-۴- جزئیات عهد و میثاق با نظر به آیات و روایات ۹۶

۱-۳-۴- اقرار به نبوت و ولایت ۹۶

۲-۳-۴- کیفیت اقرار ۱۰۱

۱-۲-۳-۴- کیفیت خطاب ۱۰۲

۲-۲-۳-۴- کیفیت اشهاد ۱۰۴

۱۰۷.....	۳-۳-۴- ماهیت انسان درعالم ذر.....
۱۰۷.....	۱-۳-۳-۴- خلقت خاکی انسان درعالم ذر.....
۱۰۹.....	۱-۱-۳-۳-۴- معنای طینت در روایت امام صادق (ع).....
۱۱۲.....	۲-۱-۳-۳-۴- معنای مستدیر در روایت امام صادق (ع).....
۱۱۳.....	۲-۳-۳-۴- ارواح مسؤول در عالم ذر.....
۱۱۷.....	۴-۳-۴- مکان و زمان اخذ میثاق.....
۱۱۹.....	۴-۴- جمع بندی.....

فصل پنجم: آزمایش در عالم ذر

۱۲۲.....	مقدمه.....
۱۲۳.....	۱-۵- آزمایش در عالم ذر در لسان روایات.....
۱۲۳.....	۱-۱-۵- اقرار به توحید ، نبوت و ولایت در روایات طینت.....
۱۲۵.....	۲-۱-۵- اطاعت از پروردگار درعالم ذر.....
۱۲۶.....	۳-۱-۵- خلقت متفاوت مومن وکافر در عالم ذر.....
۱۲۶.....	۴-۱-۵- خلقت انسان ها از سرزمین های مختلف در عالم ذر.....
۱۲۷.....	۲-۵- نظر مفسران در ذیل روایات مذکور.....
۱۳۲.....	۳-۵- تفسیر نهایی.....
۱۳۳.....	۱-۳-۵- علم خدا.....
۱۳۴.....	۲-۳-۵- طینت علیین و سجین ماده زمینی بهشت و جهنم.....
۱۳۵.....	۳-۳-۵- اثر مواد زمینی بر اعمال انسان.....
۱۳۷.....	۱-۳-۳-۵- معنای شاکله.....
۱۴۱.....	۵-۴- ارتباط آیه امانت با بحث آزمایش در عالم ذر.....

۱۴۳.....	۵-۵- جمع بندی.....
۱۴۴.....	۵-۶- جمع بندی فصول.....
۱۴۴.....	۵-۷- نتیجه گیری.....
۱۴۵.....	۵-۸- پیشنهادات برای آینده.....
۱۴۶.....	فهرست منابع.....

چکیده

موضوع عالم ذر از جمله مباحث اختلافی و دارای سابقه طولانی در فرهنگ اسلامی است. به گونه ای که صاحب نظران علوم اسلامی را در طول تاریخ وادار به اظهار نظر کرده است. اما از آن جا که طرح این مسأله برخاسته از منابع قرآنی و حدیثی است، صحت و سقم آن نیازمند بررسی بیشتر است؛ لذا برآن شدیم تا با غور در منابع موجود به چگونگی مسأله دست یابیم. قرآن کریم هم به طور مستقیم و غیر مستقیم، جریان عالم ذر را مطرح نموده است. اصلی ترین سند قرآنی در این زمینه آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ اعراف، معروف به آیات میثاق است.

به طوری که از آیات و احادیث ناظر برعالم ذربر می آید(که یا فرزندان آدم بعد از نوح (ع) یا فرزندان بلا فصل آدم (ع) و یا به معنای فرزندان خاک هستند) در مرتبه ای بالا از عالم مادی، فارغ از زمان و مکان، حقیقت فقر ذاتی خود را در موطن میثاق مشاهده نمودند و از این راه پی به وجود پروردگار لایزال بردند. در این زمان خداوند متعال خطاب به خلائق خود، با ایجاد کلام براساس صفت فعلش، می پرسد: آیا من پروردگار شما نیستم؟ و بنی آدم نیز به واسطه القآتی که خداوند متعال در درون آنها برای درک ربوبیت خود قرارداده است، اقرار می کنند؛ اقراری که رضایت و قبول تکلیف را برای بندگان در پی دارد. تا آن جا که بهانه ای برای شرک ورزیدن آنان باقی نمی گذارد.

در بیان مفهوم آیه باید گفت: رخداد این جریان در دنیا بعید است؛ زیرا در این صورت، به دلیل «اذاخذ» جریان عالم ذر، تنها شامل انسان های قبل از پیامبر می شود. و نیز آیات شریفه میثاق در معنای تمثیلی نمی باشد؛ زیرا در این صورت خداوند متعال آشکارا مانند بسیاری آیات دیگر متذکر تمثیل آیه می شد. آیه در مورد استعداد فطری هم نیست؛ زیرا جمله «أَشْهَدُهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ» یعنی آنان را بر خودشان گواه گرفت، دال بر وجود حقیقی انسان در جریان شهود می باشد. انسان صحنه عالم ذر را با جزئیات آن در خاطر ندارد، اما معرفت آن به صورت فطری در درون او باقی است، و در دنیا به واسطه کتب آسمانی و انبیاء الهی تذکر داده می شود و نمادهایی چون شهادتین، اذان و حجر الاسود از یادآوری های میثاق ازلی انسان با پروردگار خود درعالم ذر است.

مقدمه

همه موجودات جهان هستی به ویژه انسان ، دارای درک و شعوری هستند که به واسطه آن، خداوند آسمان ها و زمین را پیوسته تسبیح می نمایند . همانطور که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ^۱» البته انسان هانسبت به سایر موجودات دارای شعوری فراترند؛ زیرا که بدون نیاز به هیچ گونه مقدمات و ابزاری ، به فهم او از امور اطرافش می انجامد . هر نوزاد انسان ، از ابتدای تولدش ، درکی از دیده ها و شنیده های خود دارد بدون اینکه نیازمند تعلیم آنها باشد . این درک فطری را خداوند متعال به او عطا نموده است . شعور و درک انسان تا حدی بدیهی است که افراد انسانی ، نسبت به آن ، بی توجه هستند و از وجود آن غافلند؛ لذا نیازمند یادآوری آن می باشند . درک انسان ، نسبت به پروردگار قادر و لایزال، آن قدر بدیهی است که نامحسوس جلوه می کند ، درحالی که بسیاری از وقایع تاریخی ، حاکی از آن است که هرگاه انسان ، از مسیر طبیعی زندگی خود خارج می شود و دچار تحول می گردد و پرده های عادت را می برد ، این امور بدیهی را در درون خود می یابد .

خداوند متعال بارها در قرآن کریم ، اشاره به این مطلب کرده است که انسان را با ویژگی «شناخت» خلق کرده است . عقل و فطرت ، دو عنصر شناخت در درون انسان می باشند که توجه به آنها، لازمه رسیدن به آگاهی نامحسوس درونی است .

عناصر شناختی عقل ، نیرویی است که اعمال فطری و درونی انسان را تایید می نماید . یعنی بایدها و نبایدهای فطرت را تعریف می نماید . و فطرت ، در معنای عام آن ، طبیعت و غریزه است که در

^۱.الجمعه ، ۱.

همه موجودات عالم هستی یافت می شود. غریزه ، راه و روش و مسیر زندگی هر موجودی است . انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست . به این معنا که انسان به عنوان یکی از موجودات جهان هستی ، ابتدا دارای غریزه ، یعنی راه و روش زندگی است . یعنی اموری در او نهادینه شده است که برای ادامه مسیر زندگی خود به آن ها نیازمند است .

امور غریزی انسان برای برطرف نمودن نیازهای اولیه اوست ، اما برای رسیدن به اهداف عالی آفرینش انسان کافی نیست . لذا نیازمند ابزاری عالی تر و فراتر از طبیعت و غریزه حیوانی می باشد. بدین سبب خداوند متعال فطرت الله یعنی معرفت توحیدی را در درون انسان نهادینه نموده تا مسیر صعود به مقام قرب الهی برای او هموار گردد . جایگاه و مبدأ فطرت الهی از زمانی آغاز شده است که ذات اقدس الله ، انسان را با آن، در عالمی قبل از دنیا که در روایات با نام عالم ذر از آن یاد شده است ، آشنا نموده است . با این دیدگاه ، عالم ذر تاثیری مستقیم بر زندگی دنیایی انسان پیدا می کند . به این معنا که گنجینه آگاهی های مورد غفلت بشر ، که نیازمند یادآوری است ، از عالمی ماورای عالم دنیا ، پی ریزی شده است .

فصل اول

کلیات

۱-۱- تبیین موضوع و تاریخچه ای از موضوع

۱-۲- ضرورت و میزان اهمیت موضوع

۱-۳- کلید واژه های موضوع

۱-۴- پیشینه تحقیق در موضوع

۱-۵- پیش فرض

۱-۶- سؤالات تحقیق

۱-۷- روش تحقیق

۱-۱- تبیین موضوع و تاریخچه ای از موضوع

در باب مسأله عالم ذر نظرات مختلفی مطرح شده است . کسانی که به عالم ذر معتقدند به آیه «۱۷۲» اعراف استناد کرده اند . و گروه دیگری هستند که مخالف با این موضوع هستند و آیه «۱۷۲» اعراف را مربوط به همین زندگی دنیایی می دانند .

از جمله مسائلی که در باب عالم ذر مورد سوال می باشد این است که پیمان عالم ذر ، اقرار به ربوبیت خدا بوده است و یا این پیمان در مورد نبوت و ولایت نیز صورت گرفته است . این اعتراف و اقرار چگونه صورت گرفته است؟ آیا همه انسان ها اقرار کرده اند یا گروهی انکار نموده اند ؟ اگر چنین میثاقی بوده ، پس چرا هیچ کس آن را به یاد ندارد؟

فطرت خدا جویی انسانها که همواره او را به سوی خدا می کشاند ، با اقرار انسان در عالم ذر می تواند ارتباط داشته باشد؟ در عالم ذر امتحانی صورت می گیرد ؟ اگر امتحان در کار است ، آیا انسان ها عقل داشته اند و سپس مورد خطاب قرار گرفتند و یا این که عقل نداشته اند و اگر عقل نداشتند چگونه مسأله توحید را ادراک نموده اند . از آن جا که در تفاسیر در ذیل آیه «...وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» آمده است که از جمله بشارتهایی که به مریم داده شده درباره صفات پسندیده عیسی بن مریم ، آن است که صاحب دین و کتاب آسمانی و پیشوای کاروان توحید و رهبر خدا پرستی است و از جمله مقربان در پیشگاه آفریدگار است، که در عالم ذر در صف رسولان قرار گرفته بود و به یگانگی آفریدگار اقرار می نمود و بر سایر مردم از اولین و آخرین گوی سبقت ربوده است و بدین جهت در دنیا پروردگار او را رهبر کاروان توحید قرار داده و هنگام رستاخیز نیز در صف رسولان و از جمله شفاعت کنندگان خواهد بود. معنای روایاتی از قبیل روایت

ذیل چیست؟ آن جا که کلینی در ذیل آیه «فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ» از امام محمد باقر (ص) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند خلائق را در دو طایفه آفریده؛ یکی از اصحاب یمین و اهل بهشت و دیگری اصحاب شمال و اهل جهنم. سپس آنها را در ظل و سایه یعنی در عالم ذر جمع و ایجاد فرموده است.» اگر چنین میثاقی بوده و در آن روز بهشتیان و دوزخیان پدید آمدند، پس چرا ایشان را از آن جا به بهشت و به دوزخ نبرد و به دنیا آورد؟ چه فایده ای در آوردن ایشان به دنیا بوده است؟ و بسیاری ابهامات دیگر که باید به آن ها پاسخ داده شود.

به علاوه بسیار در قرآن کریم، از واژه تذکر استفاده شده است. تذکر به معنای یاد آوری نمودن آنچه که به فراموشی سپرده شده است. به این معنا که انسان چیزی را از قبل می دانسته، ولی آن را فراموش کرده است.

در تمامی مواردی که قرآن به ذکر و یادآوری آن می پردازد، همگی از یک واقعیتی ویژه حکایت دارد. به خصوص که عمومیت افراد انسانی را مورد خطاب قرار داده است.

مهمترین مصداق ذکر، ذکر الله یعنی یاد کردن خداوند متعال است. یعنی قرآن کریم، بارها به انسان ها تذکر می دهد شناختی که از پروردگار متعال خود داشته اید را به یاد آرید. این شناخت به عنوان تذکر عهد و پیمان الهی، رسالت انبیاء در طول تاریخ بشر بوده است.

محور مطالب عهد الهی، در آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ اعراف آمده است، آنجا که می فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ...» یعنی: به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم، ذریه آنها را گرفت و آنها را بر خود گواه ساخت...

نکات مهم عهد و پیمان انسان با پروردگار خود که از این آیات بر می آید، این است که: این عهد مربوط به قبل از دنیا بوده است. دوم این که این عهد مربوط به ربوبیت پروردگار است آن زمان که انسان، شاهد ربوبیت پروردگارش بوده است. این شهود و معرفت برای تمامی انسان ها بدون استثنا رخ داده است و همین رخداد، حجت تامه ای برای انسان است.

در تفسیر و تاویل این دسته از آیات ، نظرات مختلفی از طرف مفسران ، عرفا و متکلمان ارائه شده است . برخی از آنها متن آیه را بر سبیل حقیقت و گروهی آن را مجاز ، تفسیر نموده اند و وجود چنین رخدادی را در عامل قبل از دنیا انکار نموده اند .

این مناظرات ، نه تنها در شیعه ، بلکه میان علمای اهل سنت نیز مطرح است و موافقان و مخالفانی با خود همراه کرده است . به علاوه دیگر فرق اسلامی چون زیدیه ، معتزله و... در تفاسیرشان موضوع عالم ذر را مطرح نموده اند .

موضوع عالم ذر از صدر اسلام در گفتار ائمه اطهار(ع) نیز دیده می شود . همانطور که در سخن حضرت علی (ع) مشاهده می شود و مورخ شهیر مسعودی ، در ابتدای کتاب «**مروج الذهب**» خطبه بسیار لطیفی را از ایشان نقل کرده است که در این خطبه ، ضمن بیان عظمت رسول الله آمده است که ایشان عهد و میثاق عالم ذر را فریاد مردم می آورد . متن خطبه از این قرار است :
«...فَضَّلَ مُحَمَّدًا(ص) فِي ظَاهِرِ الْفَتَرَاتِ، قَدَعَى النَّاسَ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا، وَ نَدَبَهُمْ سِرًّا وَ إِعْلَانًا ، وَ اسْتَدَعَى عَلَيْهِ السَّلَامَ التَّنْبِيْهَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي قَدَّمَ إِلَى الذَّرِّ قَبْلَ النَّسْلِ...»^۱
یعنی: محمد(ص) را به دوران فترت علناً فضیلت داد که مردم را در آشکار و نهان دعوت کرد و آن ها در نهان و آشکار خواند ، و از آنان خواست تا عهدهی که خدای تعالی در عالم ذر پیش از نسل ، از آنان گرفته به یاد آورند.

و در قرآن کریم ، به واسطه آیات متعددی گاه به اشاره و گاه به تصریح مطرح شده است . به علاوه روایات فراوانی با خصوصیات و ویژگی ها و شرح برخی جزئیات آن وجود دارد که - به دلیل کثرت این گونه روایات می توان ادعای تواتر معنوی در مورد آنها کرد و چه بسا می توان ضعف برخی احادیث را جبران کرد - موضوع عالم ذر را یاد آور شده اند .

موضوع عالم ذر، در دیگر کتب آسمانی و سایر ادیان و مکاتب با این صراحت و تفصیل مطرح نشده است . تنها علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار می گوید : « نسخه ای از صحیفه ادریس نبی را پیدا کردم که ابن متویه آن را از زبان سریانی به زبان عربی منتقل کرده است » .^۲

^۱ - مروج الذهب ۱/ ۴۳

^۲ - بحار الانوار ، ۴۵۳/۹۲

در صحیفه ابن ادریس ، پس از آن که از خلقت انسان از ماء مهین وزنده شدن گیاهان پس از زمستان سخن به میان آمده است، عهد الهی و عالم ذر را به انسان ها متذکر می شود و انسان را با وجود چنین ادله ای یعنی عهد انسان با پروردگار یکتا، به خاطر شک در معاد سرزنش می کند .
«... فَمَا لَكُمْ تَمْتَرُونَ أَلَمْ تَوَاقِفُوا فِي الْأَظْلَالِ وَالْأَشْبَاحِ وَأَخَذِ الْعَهْدِ عَلَيْكُمْ فِي الذَّرِّ وَالنُّشُورِ وَتَرَدَّدْتُمْ فِي الصُّورِ وَتَغَيَّرْتُمْ فِي الْخَلْقِ وَانْحَطَطْتُمْ مِنَ الْأَصْلَابِ وَحَلَلْتُمْ فِي الْأَرْحَامِ...»^۱ یعنی : چرا شک دارید؟ آیا در عالم اظلال و اشباح و عالم ذر میثاق ندادید در حالی که شما در صور و درآمد و شد بودید و در خلق متفاوت بودید و در اصلااب و ارحام قرار گرفتید .

۱-۲- ضرورت و میزان اهمیت موضوع

در حیطه مسائل اعتقادی ، گاهی موضوعاتی مطرح است که همواره مورد بحث در میان صاحب - نظران می باشد که ضرورت بررسی بیشتر و توقف در موضوع را می طلبد تا با دسته بندی مطالب موجود و بررسی مواد اختلافی ، تا حدی موضوع، حداقل برای محقق روشن گردد. عالم ذر ، از جمله مسائلی است که اگر چه از ضروریات اعتقادی محسوب نمی شود، یعنی عدم اعتقاد به آن خدشه ای به ایمان فرد وارد نمی کند، اما پیکره اصلی آن ، یعنی معرفت و توحید از ضروریات اعتقادی و زیربنایی دین محسوب می شود که ، شناخت بهتر آن اعتقاد محکم تری را در رابطه با امور دینی به دنبال دارد. و این معرفت انسان نسبت به پروردگار خود، دانشی است که سکون و طمأنینه برای او به همراه دارد، به این جهت که اگر انسان چیزی را نشناسد از آن وحشت دارد و احساس آرامش نسبت به آن نمی کند.

عالم ذر از جمله مسائلی است که همیشه مورد اختلاف بوده است، چه در میان علمای متاخر و چه در میان علمای معاصر . به گونه ای که هر کدام از آنها با توجه به اعتقاد و مسلک خود، عالم ذر را تفسیر نموده اند. و برای اثبات ادعای خود، به روایات و شواهدی که با اعتقاد آنها همراه بوده است، استناد نموده اند و تصریح کرده اند که ، موضوع عالم ذر از جمله موضوعات مشکلی است که

^۱ - بحارالانوار ، ۴۶۷/۹۲

عقلهای مردمان بسیاری، از حل این مساله درمانده اند.^۱ و بهتر آن است که اندیشیدن در مورد چنین مسائلی را رها کنیم، چرا که چندان پیچیده است که عقلهای ما از دریافت کنه آن ناتوان است.^۲

اگر چه موضوع عالم ذر از جمله مسائل مشکل می باشد اما در بسیاری موارد، طرح این مسئله با سوالات بسیاری همراه است که در اکثر مواقع بی پاسخ مانده است و برای بسیاری از افراد، به عنوان یک سوال و ابهام مطرح بوده است سوالاتی از قبیل این که عالم ذر، عالم حقیقی است یا مجازی؟ (یعنی عالم ذر به واقع آن گونه که روایات می گویند، رخ داده است و یا اینکه به صورت کنایی اشاره به موضوعی دیگر دارد؟) و یا اینکه بسیار شنیده می شود که هر آنچه انسان در این دنیا بر او می گذرد در عالم ذر آن را تجربه کرده است؟ آیا به واقع این گونه بوده؟ و از طرف دیگر، ارتباطی که عالم دنیا با عوالم ماورای خود از جمله عالم ذر دارد، این نیاز احساس می شود که، تأمل بیشتری بر این موضوع صورت گیرد تا از این طریق، بیداری برای انسان حاصل شود که راهنمای او در امور زندگی خواهد بود. همانطور که حضرت علی (ع) در حدیثی، در اهمیت تفکر می فرماید: «نَبَّهُ بِالتَّفَكُّرِ قَلْبَكَ» یعنی: به وسیله تفکر دل خود را بیدار کن.^۳

۱-۳- کلید واژه های موضوع

اصلی ترین واژه هایی که در موضوع عالم ذر قابل طرح است، بدین قرار است:

۱-۳-۱- ذریه: در معانی متعددی در قرآن کریم بکار رفته است، درآیه ۱۷۲ اعراف که محور بحث مذکور است، به معنای نسل آمده است.

۱-۳-۲- عهد: به معنای التزام، یعنی عقدی که به دنبال آن مسئولیتی به همراه می آورد می باشد. که در آیات متعدد قرآن، گاه به صورت مطلق و گاهی به صورت خاص، که اشاره به عهد و پیمان ازلی انسان با پروردگار خود دارد، آمده است.

^۱ - مرآة العقول ۳۷/۷-۳۸

^۲ - بحار الانوار، ۲۶۱/۵

^۳ - همان، ۳۱۸/۶۸؛ الکافی، ۵۴/۲؛ وسائل الشیعه، ۱۹۵/۱۵؛ مستدرک الوسائل، ۱۸۳/۱۱